

شنبه بیست و چهارم دیماه ۱۴۰۱

نشست چهاردهم فقه پزشکی ؛ پرونده نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافضا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

پرونده نهم: ازاله بکارت

مجموعه سوالات مطرح شده در این حیطة

سوال اول این است: اگر دوشیزه ای رضایت به زنا داشته باشد، زانی مسئول ارش البکاره است یا نه؟

حالا یا بالغه باشد یا غیر بالغه....

به این معنا که زانی علاوه بر حدی که می خورد ضمان هم دارد یا این که حکم وضعی ندارد...؟

سوال دوم: جایی که باید ارش البکاره داده شود، نحوه محاسبه ارش البکاره چگونه است؟ آیا همان مهر المثل این خانم است؟

یا کارشناس باید تعیین کند؟ و کاری به مهر المثل ندارد؟

سوال سوم: اگر پرده بکارت آسیب ببیند به غیر از مقاربت توسط یک مرد؛ فرض کنید پزشک می خواهد عمل کند، بکارت یک دختر را از بین ببرد یا معلم ورزش به دختر دستور ورزش میدهد (مثل پرش یا ژیمناستیک) و سوال کلی آن این است: ازاله بکارت به غیر از دخول آلت تناسلی مرد چه حکمی دارد؟

سوال چهارم: ممکن است پرده آسیب ببیند اما بعد چند ماه ترمیم شود، آیا ارش البکاره ای که گفته می شود، شامل این حالت هم هست؟

سوال پنجم: ترمیم بکارت زائل شده در وقتی که شخص برای ترمیم می آید؛ دختری زنا کرده اما می خواهد ازدواج کند برای ترمیم مراجعه میکند...اجرتی که پزشک می گیرد چه حکمی دارد؟

سوال ششم: خانمی که ترمیم بکارت می کند، لازم است به شوهر بگوید یا نه؟

ممکن است برخی از این که بدانند خانمشان ازاله بکارت شده و بعد ترمیم شده ممکن است با او ازدواج نکنند.

یا ممکن است این مهر را قرار ندهند.

یا این که اگر نگوید کار او مصداق تدلیس باشد...

و یا این که ممکن است بحث مهر سنگین وسط باشد آیا با این اوصاف زن می تواند این مهریه را بگیرد؟
سوال هفتم: برخی خانم ها پرده بکارتشان حلقوی است ... و یا ارتجاعی است که این خانم ها ازاله بکارت ندارند؛ ... باید دید در این وضعیت چگونه خواهد بود.

من در این باره پنج نظر را جمع کردم:

شما را وارد جزئیات نکردم مثلا این که اگر زن فریب بخورد؛ چه می شود....

سوال این است که : ازاله بکارت شده با رضایت زن به زنا ؛

رویکرد مواد قانونی در خصوص ارش البکاره

برخی گفته اند ارش البکاره ، جزئی از مهر است ؛ یعنی یک خانم وقتی بکر باشد با وقتی بکر نباشد آیا مهر او یک اندازه است ؟

وقتی یک مهری برای یک دختر قرار می دهند، دختر بودنش در مقدار مهر اثر می گذارد؛ پس ارش البکاره جزء مهر است. ارش البکاره من المهر و لا مهر لبغی (زن زناکار) و دوم: قاعده اقدام

یک دلیل را هم من در کلام برخی ها دیدم که چون دختر خودش رضایت داده و ازاله بکارت شده، چیزی طلب ندارد.

و نظر دومی برخی ها دارند و آن ، این که اگر بالغ باشد، اما اگر غیر بالغ باشد ، چرا چیزی نباشد؟

من ندیدم آیت الله صافی دلیلی برای این آورده باشد....

فرض کنید یک دختر بچه ای غذایش را داد به کسی و آن شخص هم آن غذا را خورد.

آیا می توانیم بگوییم بری الذمه است

درست است که بچه خودش غذا را داده اما شما حق تصرف نداری مگر با اذن ولی و ولی هم نمی تواند اذن بدهد مگر مصلحت بچه باشد....

پس تفصیل بین بالغه و غیر بالغه شد.....

برخی تفصیل داده اند بین جاهل و نادان از ازاله بکارت با غیر جاهل

نظرچهارم این است که ضامن است ؛

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۱۳۶ در خصوص ارش البکاره نظریه صریح ماده ۴۸۱ مصوب ۷۰ که حاکی است هرگاه جراحی بر عضوی وارد شود، اگر آن عضو دیه معینی نداشته باشد دادن ارش لازم است مستفاد از این ماده این است که باید ارش داده شود و ارش هم نه مهر المثل ارشی که

کارشناس تعیین کند یعنی از سال ۷۰ تا ۹۲ قانون ما راجع به ارش البکاره ساکت است و قضات، ماده ۴۸۱ قانون را می گرفتند ..

این ماده می گوید: هرگاه جراحی وارد شود اگر دیه دارد دیه باید پرداخت شود اگر ندارد باید ارش پرداخت شود....

برخی معتقد بودند ازاله بکارت هم دیه ندارد.

اطلاق ۴۸۱ را می گرفتند و حکم میکردند....هرگاه یکی از جراحتهای فوق واقع شود در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود تعیین گردد، و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد ارش آن با نظر حاکم تعیین می شود.

سوال این است که این ماده این قدر اطلاق دارد..

اداره حقوقی قوه قضاییه گفته که اطلاق دارد...

منتها میدانید ما چه کردیم؟

ما در قانون جدید این مطلب را رسماً آوردیم.

ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی مبحث سیزدهم ؛ دیه ازاله بکارت و افضا

ماده ۶۵۸ میگوید:

«هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست».

یعنی قانون گذار ما همان نظر اول را داده است. اگر بدون رضایت باشد موجب ضمان مهر المثل است .

تبصره دوم می گوید رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی نداشته است در حکم عدم رضایت است. مشخص شد قانون گذار بین بالغه و غیر بالغه تفصیل می دهد...

گاه برای مقام قضایی رضایت ثابت است و گاه عدم رضایت ثابت است و گاهی هم شک می کند...والبته صورت شک ملحق به عدم رضایت است .

نظر مراجع در خصوص ارش البکاره

این وسط دو عبارت هست یکی عبارت جواهر الکلام هست و دیگری عبارت آقای خوبی است.

صاحب جواهر میفرماید:

«اما المطاوعة (زن زانی بدون اکراه) فظاهر العبارة عدمه لها كالمهر(همانطور که مهر ندارد ، ارش البکاره هم ندارد) لکنه لا یخلو من نظر.....بناء علی ان الاذن فی الجنایة من المجنی علیه لا یسقط ارشها» (اگر مجنی علیه اذن بدهد در جنایت ، این ارش را ساقط نمی کند.....)

اذن مریض به دکتر مسقط ارش نیست.

صاحب جواهر می گوید دختر با این که میل داشته و مطاوعه بوده اما لایسقط ارشها ؛ صاحب جواهر ارش البکاره را جزء مهر هم نمی آورد.

آقای عبدالاعلی سبزواری می گوید در این حالت ارش البکاره ساقط نیست؛ زیرا اصل بر عدم سقوط آن است مگر این که دلیلی بر سقوط وجود داشته باشد که در این جادللی وجود ندارد زیرا یا گفته می شود زانیه با میل خود اقدام کرده ارش نمی گیرد که ما جواب می دهیم در هر حال این امر موجب سقوط حکم وضعی نمی شود. یا گفته می شود مهر به زانیه تعلق نمی گیرد ارش هم تعلق نمی گیرد مگر آ» که سقوط از اطلاق مهر البغی سحت استفاده شود.

آیت الله فاضل می گویند در تمام فروض احوط ایجابی ثبوت ارش البکاره است.